

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ سپتمبر ۲۰۲۳

## تام وست و مرگ وجدان!

چهارشنبه- ۲۲ سنبله ۱۴۰۲ - کابل: هرگاه به خبر های حدود ۴ هفته اخیر دقت نموده باشید حتماً متوجه شده اید که در این بازه زمانی تقریباً اکثر مقامات ملکی و نظامی امپریالیسم امریکا و حتا شرکای اروپائی آنها وقتی می خواهند راجع به افغانستان صحبت نمایند بدون آن که کمترین اشاره و یا تماسی به جنایاتی که طالب در جریان دو سال اخیر انجام داده و افغانستان را نه تنها برای زنان و دختران کشور به یک زندان سرباز مبدل نموده بلکه زبان منتقدان مرد را نیز از حلقوم شان در آورده، بگیرند؛ عمدتاً گاهی مستقیم و زمانی هم تلویحاً در دو نکته به ستایش از طالب و نظام ملاسالار می پردازند، یکی مهار نسبی القاعده و داعش در افغانستان تا سرحد کاستن از توان عملیاتی آنها علیه غرب و دیگری تأمین امنیت در افغانستان. از آنجائی که در نگاشته های قبلی راجع به امنیت و برداشت ما از آن چندین بار بحث نموده ایم، در یادداشت امروز توجه شما را به بحث در مورد ستایش و لابیگری جدید مقامات امپریالیستی برای طالب و دلیل این ستایش ها می خواهم:

۱- برای کس و کسانی که در داخل کشور زندگانی می نماید و بیشترین ساعات روز را با چشمان باز در سرکهای شهر می گردد و از جانب دیگر از روابط و مناسبات گذشته طالب و القاعده نیز آگاهی دارد، طرح این که گویا طالب القاعده را آسیب رسانیده باشد، از آن حرفهائی به شمار می رود که حتا گوینده اش هم بر آن می خندد. واقعیت قضیه این است که هرچند در ظاهر طالب و القاعده دو تشکیلات جداگانه به شمار می روند، مگر در نهان القاعده به مثابه سازمان مادر، اگر نگوئیم تمام به جرأت گفته می توانیم اکثریت قریب به اتفاق و تمام کادرهای ریز و درشت طالب، هم در دسترخوان القاعده چریده اند، هم به وسیله آنها آموزش دیده اند و هم بخشی از تشکیلات آنها شاخه افغانستان می باشند.

لذا این ادعا که علی رغم رساندن طالب به حاکمیت، القاعده ضعیف شده باشد دروغ محض می باشد. اما این که فعلاً القاعده برای امنیت امپریالیسم غرب تهدید به شمار نمی آید، ناشی از ضعف القاعده نیست بلکه غلبه وجه تبنائی بین امپریالیسم و القاعده است که بعد از ادعای مرگ بن لادن در پاکستان، این تبنائی خود را نه تنها در لیبیا و بقیه کشور های افریقائی نشان داد و در عمل القاعده به مثابه پیاد نظام ناتوی امپریالیستی به کشتار خلقهای آن منطقه پرداختند، بلکه عین مناسبات در عراق و به خصوص سوریه نیز ادامه یافته شاخه سوری القاعده موسوم به "جبهة النصره" به

مثابه چشم و چراغ امپریالیسم امریکا به کشتار مردم سوریه همین اکنون با تغییر نام مشغول و از منافع و خواسته‌های امپریالیسم امریکا در منطقه نمایندگی می‌نماید.

۲- از همین رو علی‌رغم آن که امپریالیسم امریکا خوب می‌داند که القاعده در افغانستان قوت گرفته است، مگر می‌کوشد آنها را ضعیف نشان دهد تا از یک جانب نمره مثبتی به ماشین کشتاری که در افغانستان نصب نموده اند یعنی طالب بدهند و بستر و زمینه شناسائی رسمی آنها را فراهم سازند و از جانب دیگر، این نیروی ذخیره اش را برای روز های فردا دور از چشم رس مخالفان حفظ و آماده نگه دارد تا در مواقع لازم بتواند از آنها به نفع خود و به زیان خلقهای هدف در منطقه و جهان استفاده نماید.

۳- اما زمانی که تام ویست و بقیه عمال امپریالیسم امریکا و شرکاء ضمن ستایش از طالب در مهار القاعده و حتا داعش، می‌آیند و از خطر "تحریک طالبان پاکستان" نام می‌برند و گویا از طالبان می‌خواهند تا آنها را نیز به مانند القاعده و داعش - منتهی واقعی نه ساختگی- قلع و قمع نمایند، ضمن آن که با این صحبت ها می‌خواهند اندکی از حساسیت پاکستان بکاهند تلاش می‌ورزند تا قوم پشتون دو طرف خط فرضی دیورند را به جان یک دیگر بیندازند. هرگاه خاطرتان مانده باشد دوسال قبل از همین روزها، استاد "موسوی" در مقاله شان در کل یکی از تفاوت های اساسی بین حرکت "درانی" ها با حرکات "غلجائی" ها را در "پشتون محور" بودن اولی و "حاکمیت محور" بودن دومی معرفی نموده بودند.

امپریالیسم امریکا اینک تلاش می‌ورزد تا سیاست پشتون محوری حاکم در افغانستان را که بر مبنای همان سیاست، طالب افغانستان به طالب پاکستان کمک می‌نماید، قسمی تعدیل نماید که طالب و نظام ملاسالار سیاست "پشتون محوری" خودش را کنار گذاشته، با سپردن "تحریک طالبان پاکستان" به تیغ جلادان پنجابی جمع شده در ارتش پاکستان، خط فرضی دیورند را در عمل بین اقوام ساکن دو طرف خط تطبیق بدارند.

هموطنان گرامی!

ما می‌دانیم که القاعده و داعش در افغانستان تضعیف نشده اند زیرا آنها هم اکنون در حاکمیت خود را سهیم و شریک ساخته در کنار طالب، برای بقای مشترک شان مبارزه می‌نمایند. این را هم می‌دانیم که طالب پاکستانی چیزی بهتر از طالب افغانستان نمی‌باشد، هر دو از یک خشت و گل ساخته شده و در هر دو یک روح از جانب امپریالیسم و ارتجاع منطقه دمیده شده است، اما این بدان معنا نیست تا به طالب حق بدهیم تا آنها را به پنجابیان به فروش برساند. طالب باید این را بداند که فروختن آنها، آخرین میخی است که بر تابوت داعیه خط دیورند کوبیده خواهد شد. میخ جدائی و افتراق و دشمنی بین باشندگان دو طرف خط.

آینده نشان خواهد داد که طالب خیانت به خلقهای منطقه را تا سرحد ایجاد برادر کشی بین باشندگان دو طرف خط دیورند پیش خواهد برد و یا خیر. در اینجا "پشتون محوری" و "حاکمیت محوری" در معرض امتحان قرار گرفته اند.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می‌باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**